

# 'سرنوشت خونین'

کاری از تیم:

Flaxen Guys



Flaxen\_guys



Flaxen\_guys



Flaxenguys

مترجم:

Yuki

کلینر:

S.Z

ویراستار:

F\_S\_S12

تایپیست:

Bloom

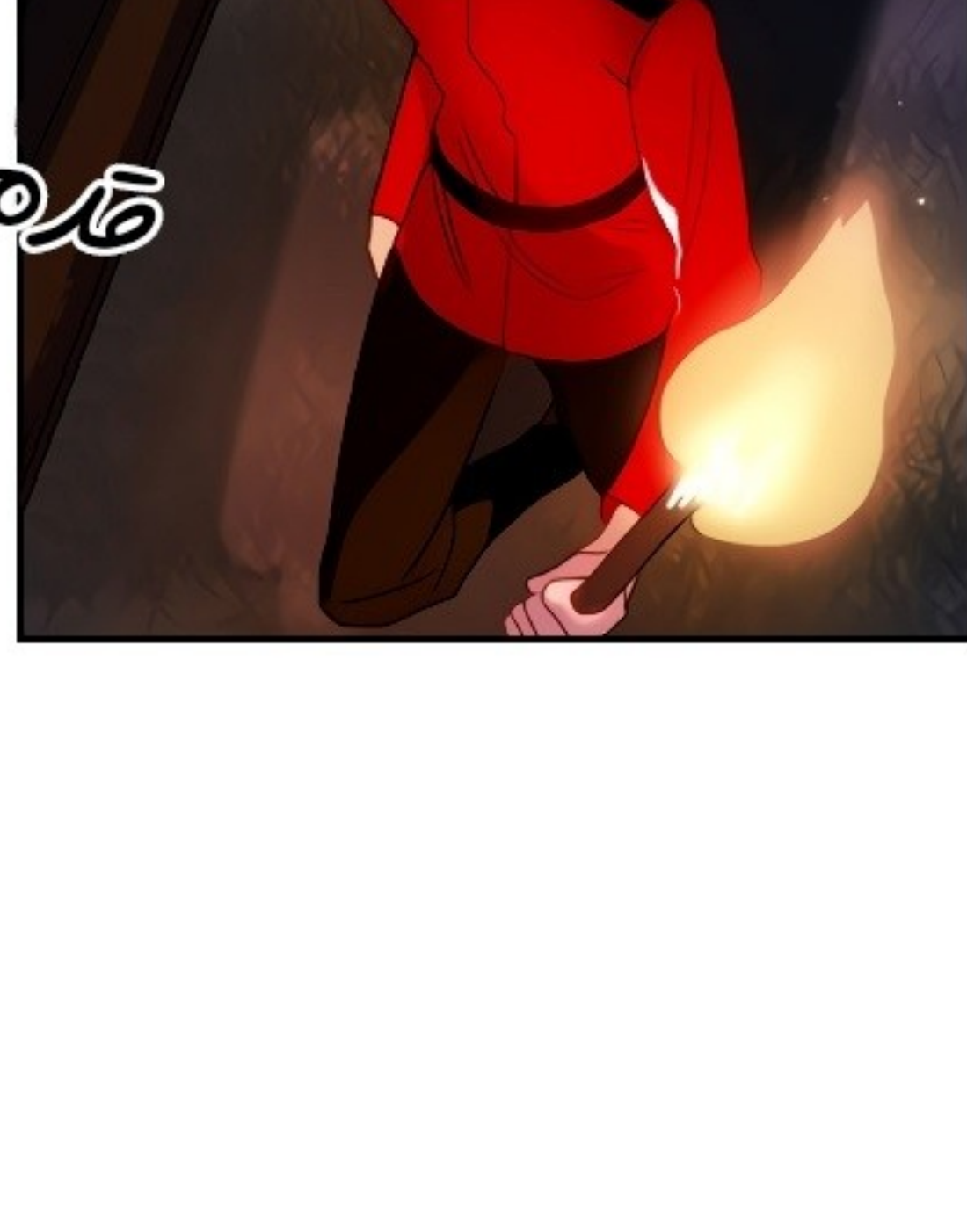


تلوق



تلوق

همون جا  
نگه دار.



قدم

قدم



چند نفر  
با خودت آوردی؟

سه نفر.

بازگردن

باید شناساییتون  
کنیم. صورتتون رو  
نشون بدید.



آه!

...

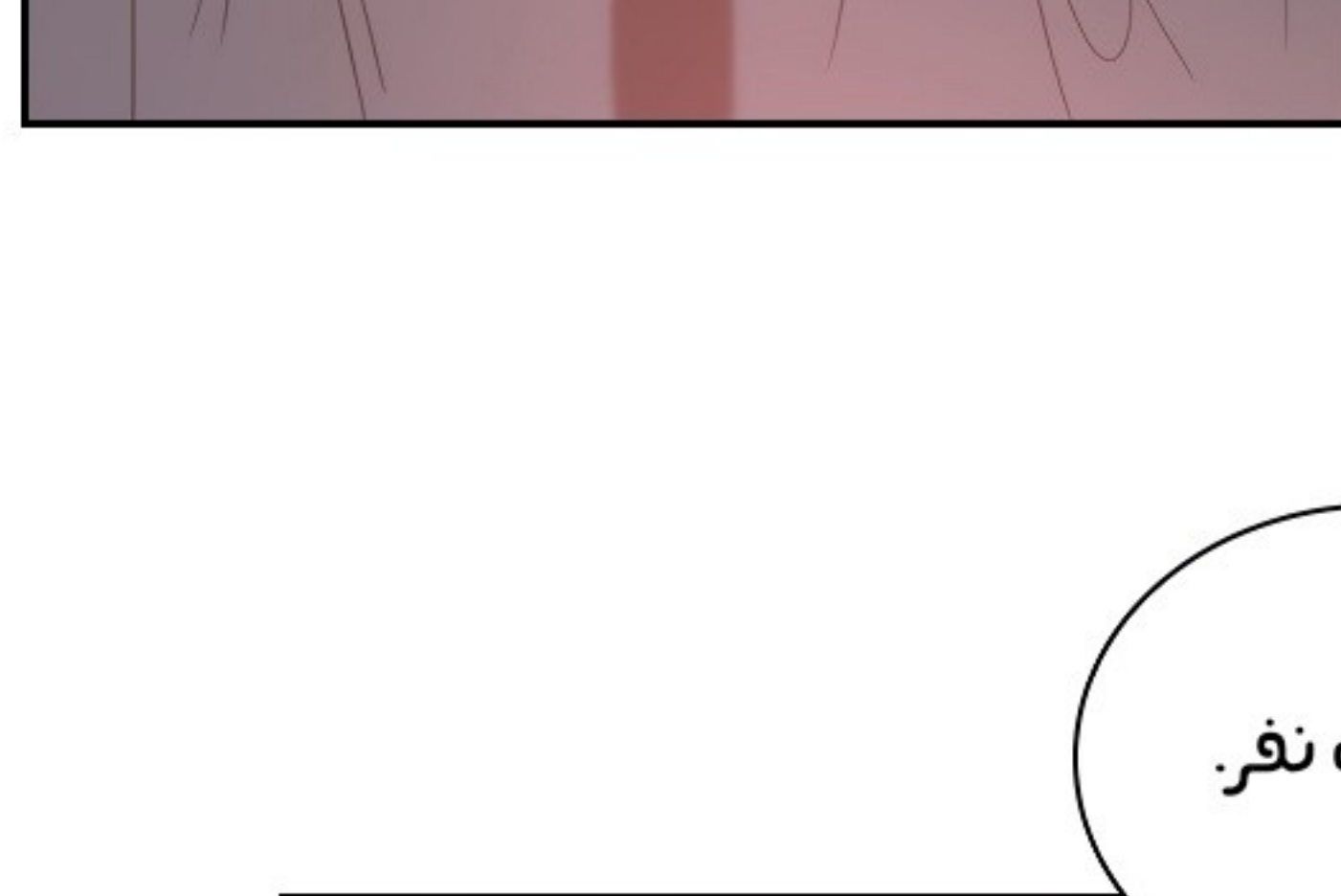
خوبه، مطمئن  
شین آروم داخل می‌رید  
تا چرخ‌های زیاد سرو صدا  
نکنن.



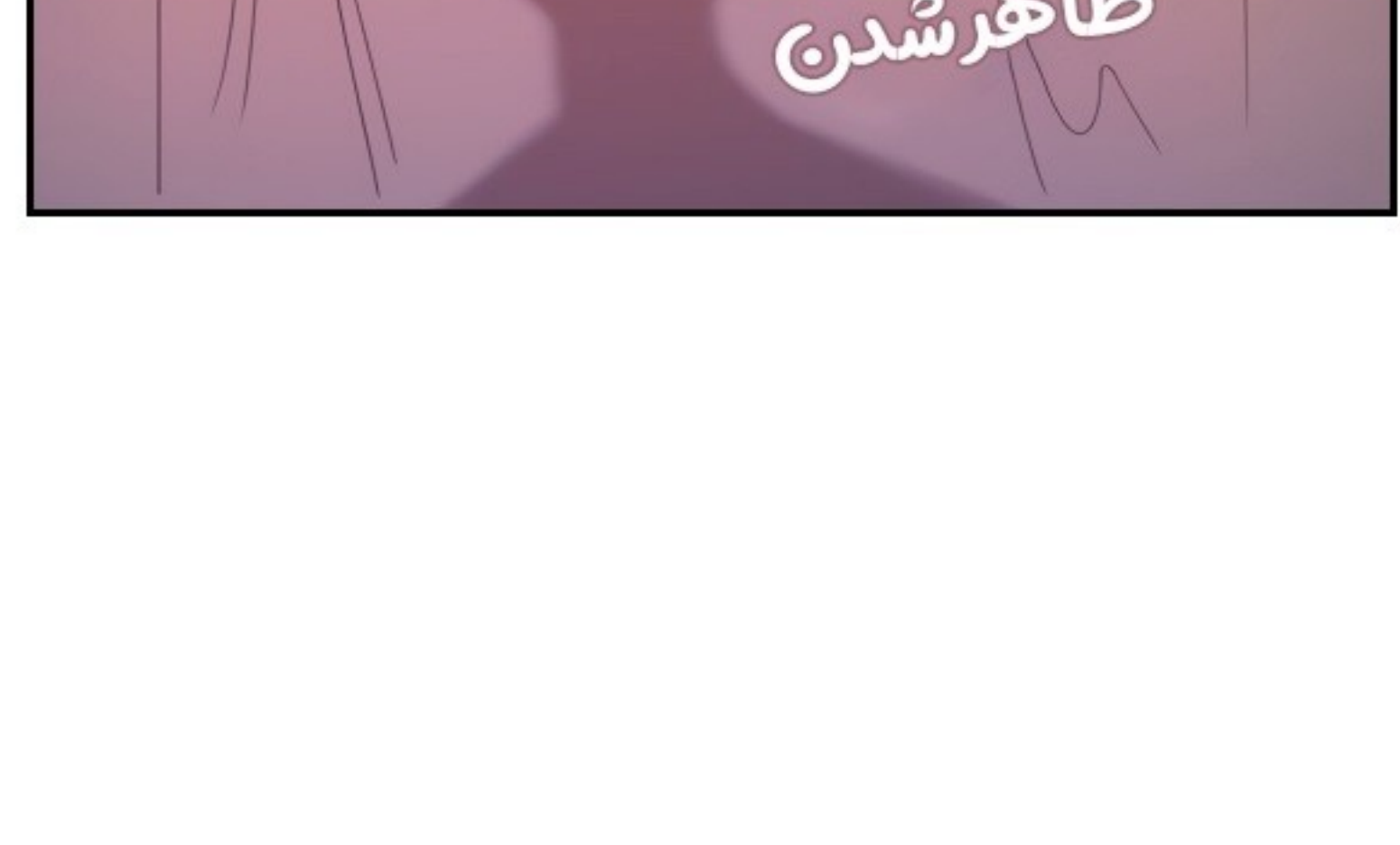
بازگردن

بله بله،  
همین کار رو  
می‌کنیم.

تو این یکی  
چند نفر هست؟



فقط یه نفر.



ظاهر شدن



بازگردن!

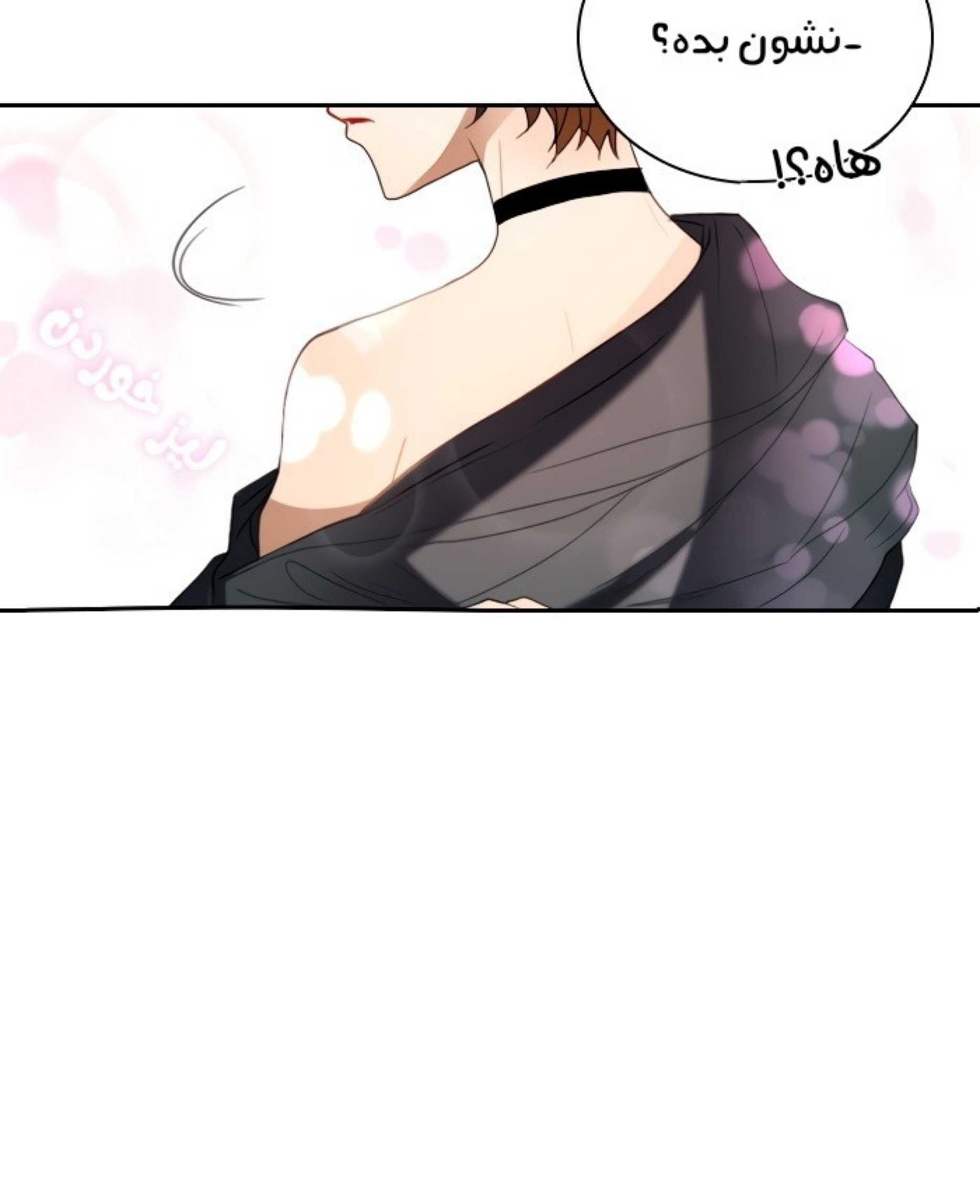
هی، ما باید  
شناساییت کنیم.  
صورتتو نشون  
بده.



نشیمی پی گفتیم؟  
رداتو در بیار و صورتتو  
بهم--

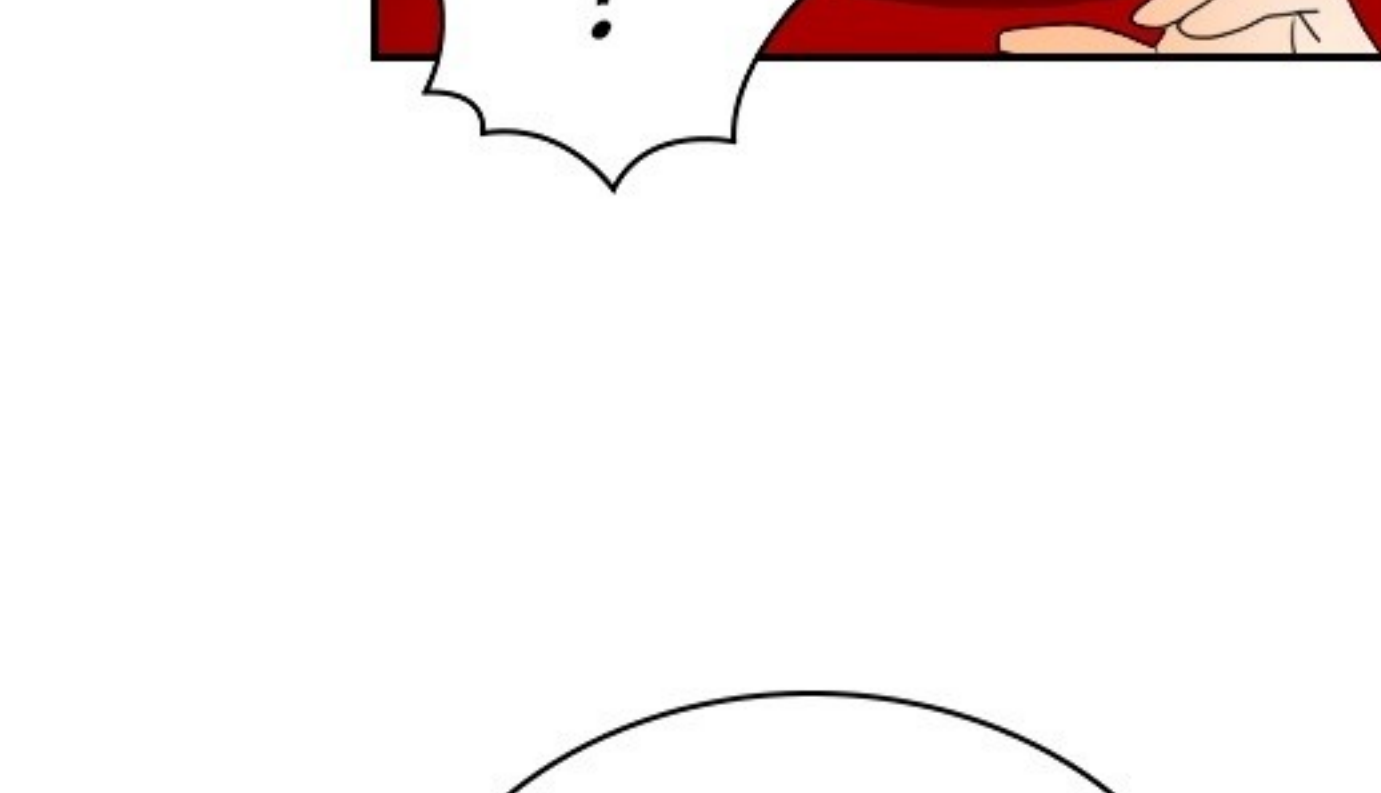
...





- نشون بده؟

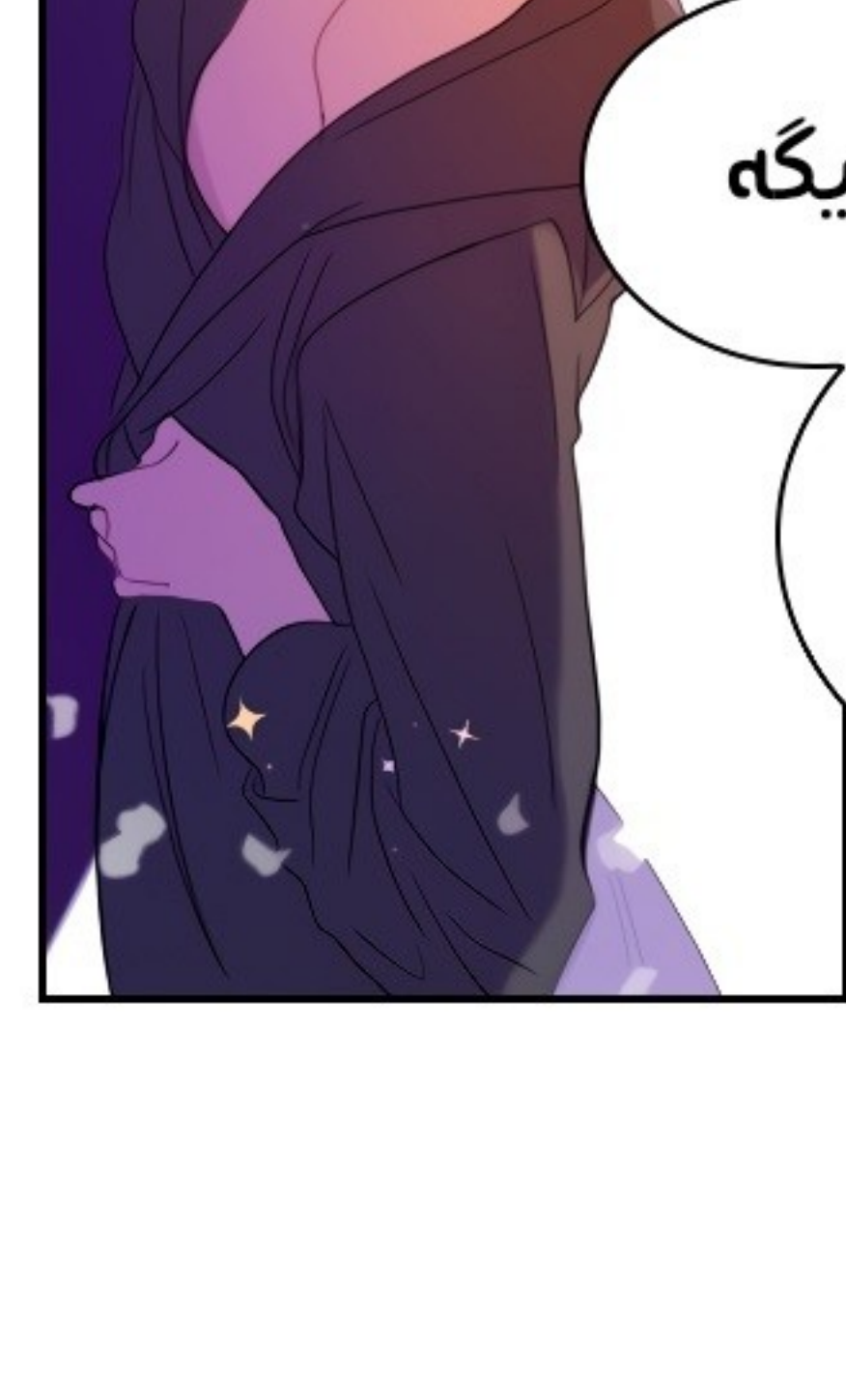
ههه؟!!



... می‌خواهی  
ردامو دربیارم؟

ترتیب برات

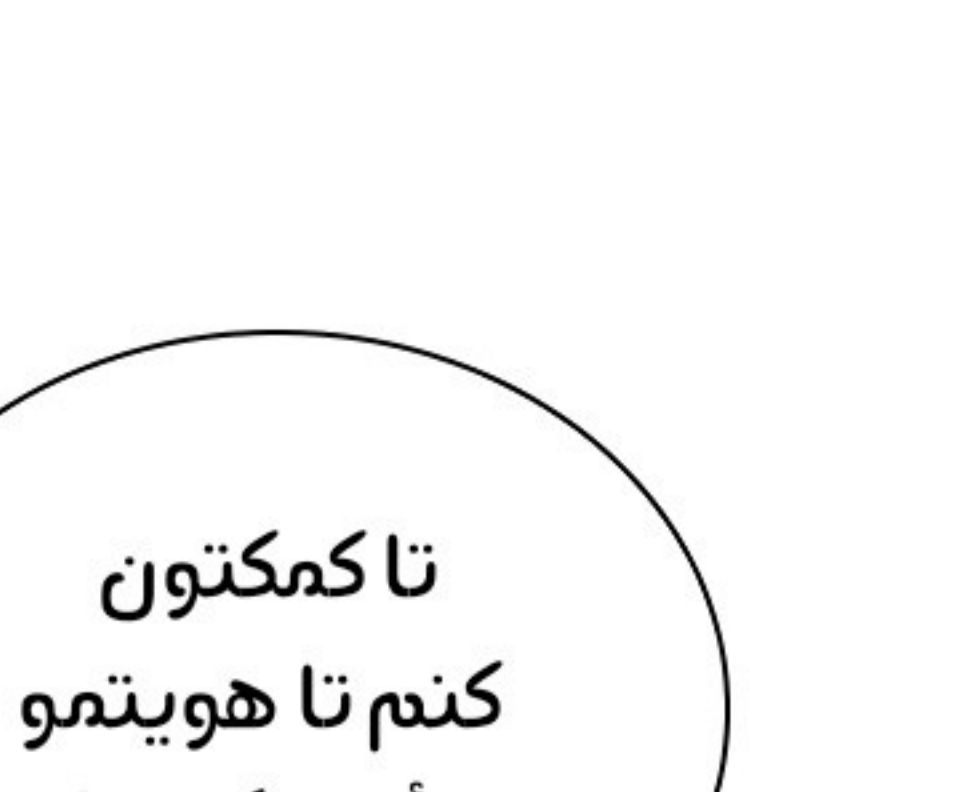
!



اما من فقط  
همین ردای نازک  
رو پوشیدم...

دیگه

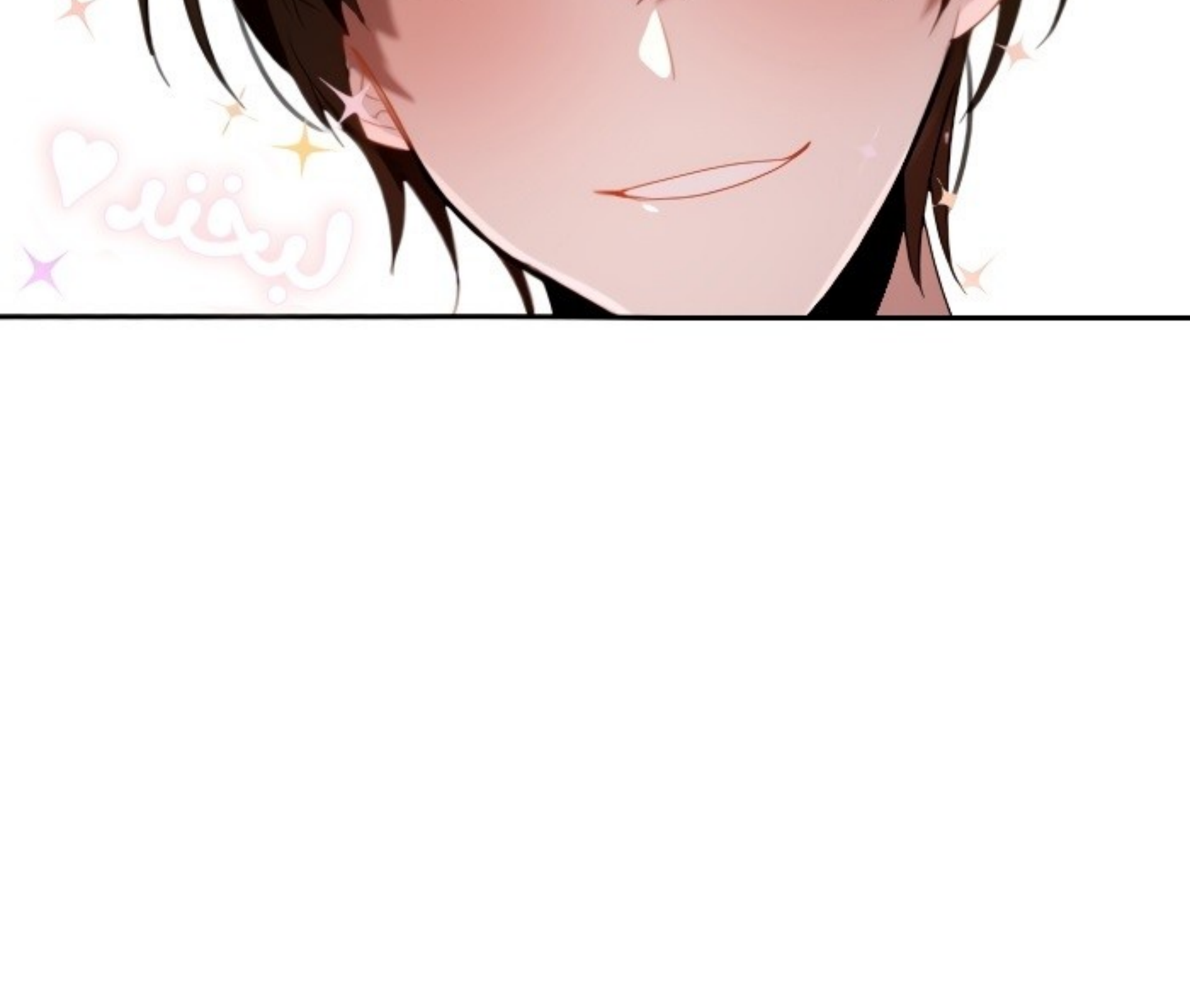
کجام رو باید  
لخت کنم-



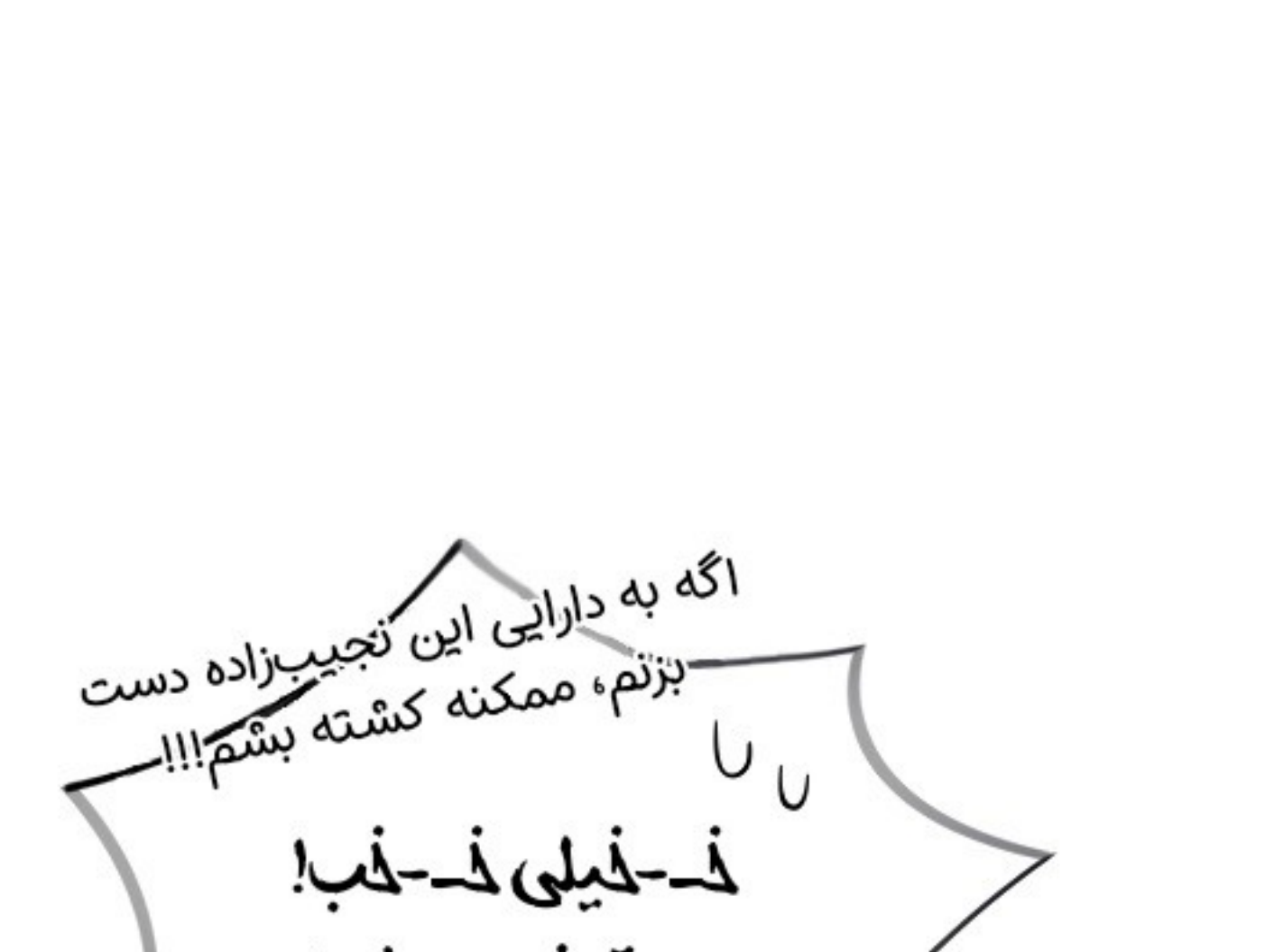
تا کمکتون  
کنم تا هویتمو  
تأیید کنید؟



ادیتور: بوج ها کاسیاس یا کاسیا بوج ها؟ 😊😁👉



من تقریباً بی‌بیخه بشو  
می‌بینم....



سرخ شدن  
-ااون... اون چیزی  
زیر ردا نیوشیده؟!!

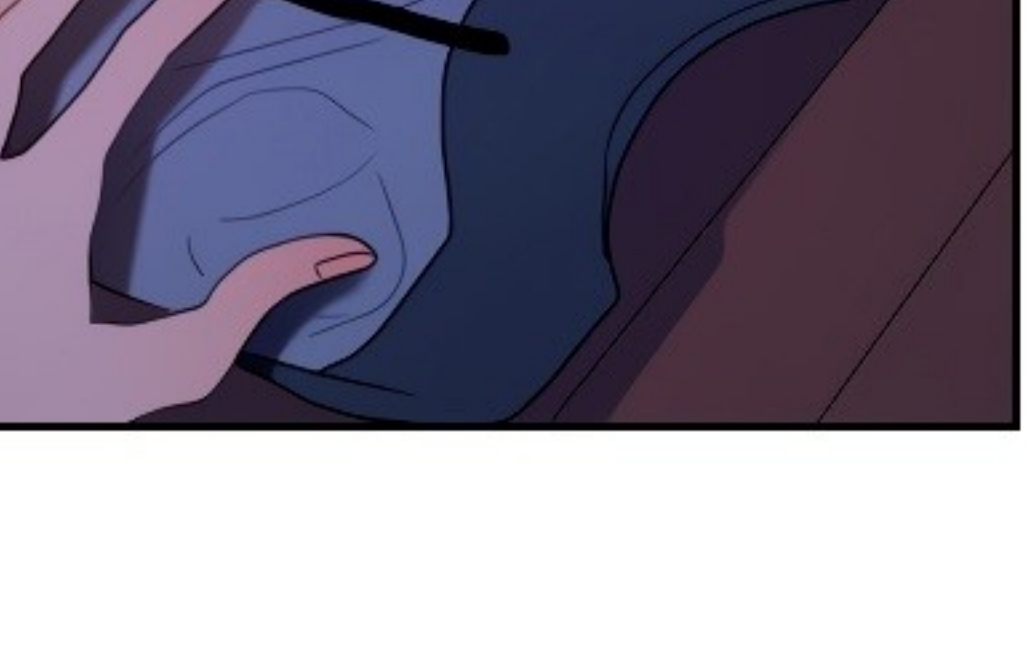
ادیتور: جا داره بلام: خواهرم حجابت و برادره نگاهت  
را حفظ کن 😊😁👉

اگه به دارایی این تجبیزاده دست  
بزنم، ممکنه کشته بشم!!!

فد-خیلی فد-قلب!  
می‌تونم رد بشی!

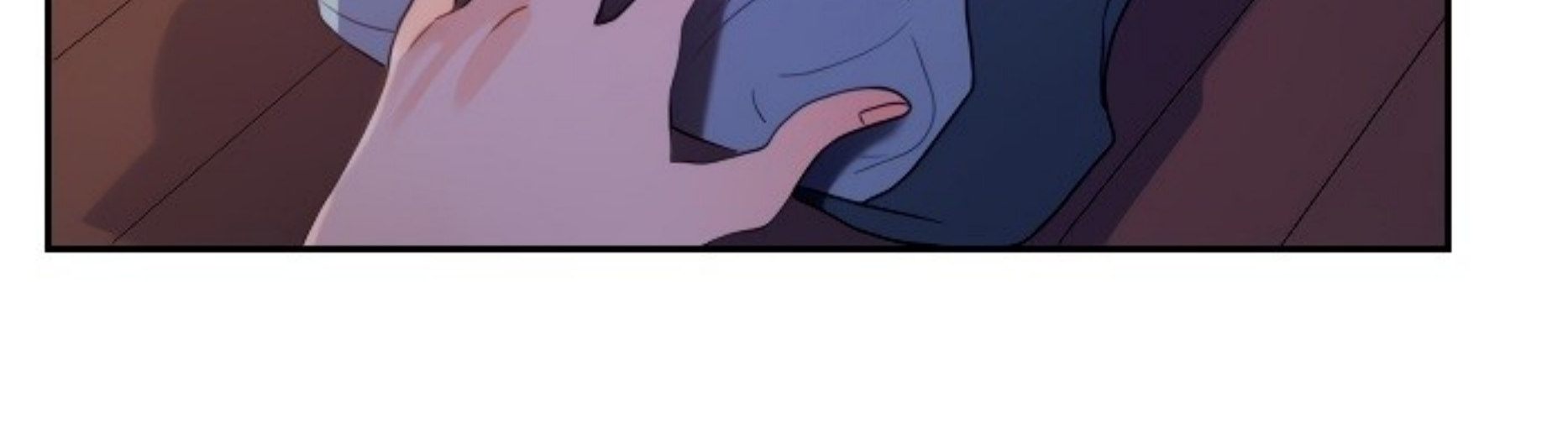
تق!

احمق.



یوست ما

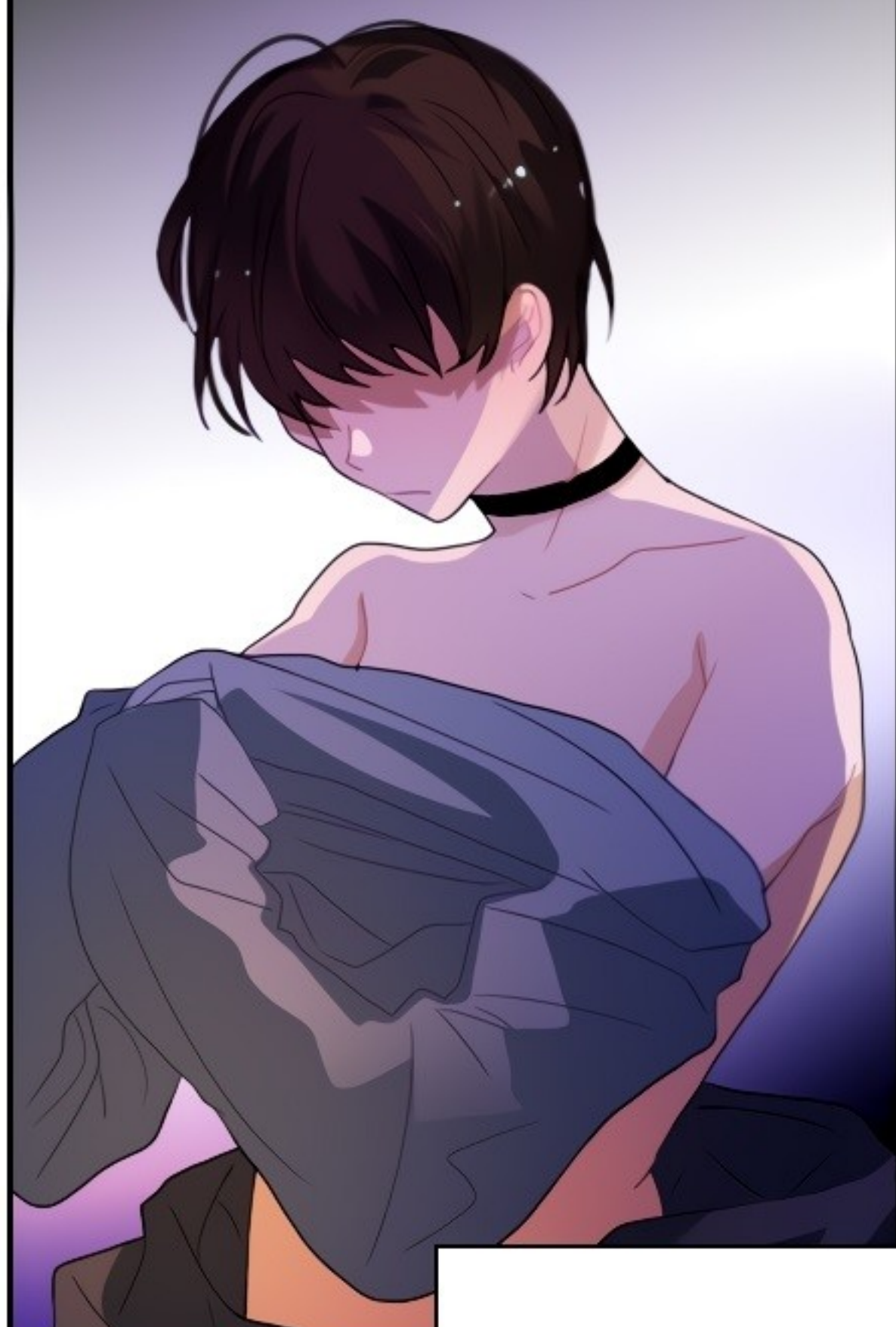
اگه حتی یه انگشتش هم  
بهرم می‌خورده می‌مرد.



ترتیب برات



حتی آگه کاخ کارینا  
کوچیک هم باشه، بازم  
جاییه که امپراطور توش  
زندگی می‌کنه.



من فکرشو کرده بودم  
که یواشکی واردش شدن  
کار آسونی نیست.

هرچند، به نظر می‌رسه  
که این جنگ برای سلطنت و  
اشراف تلفات زیادی داشته،



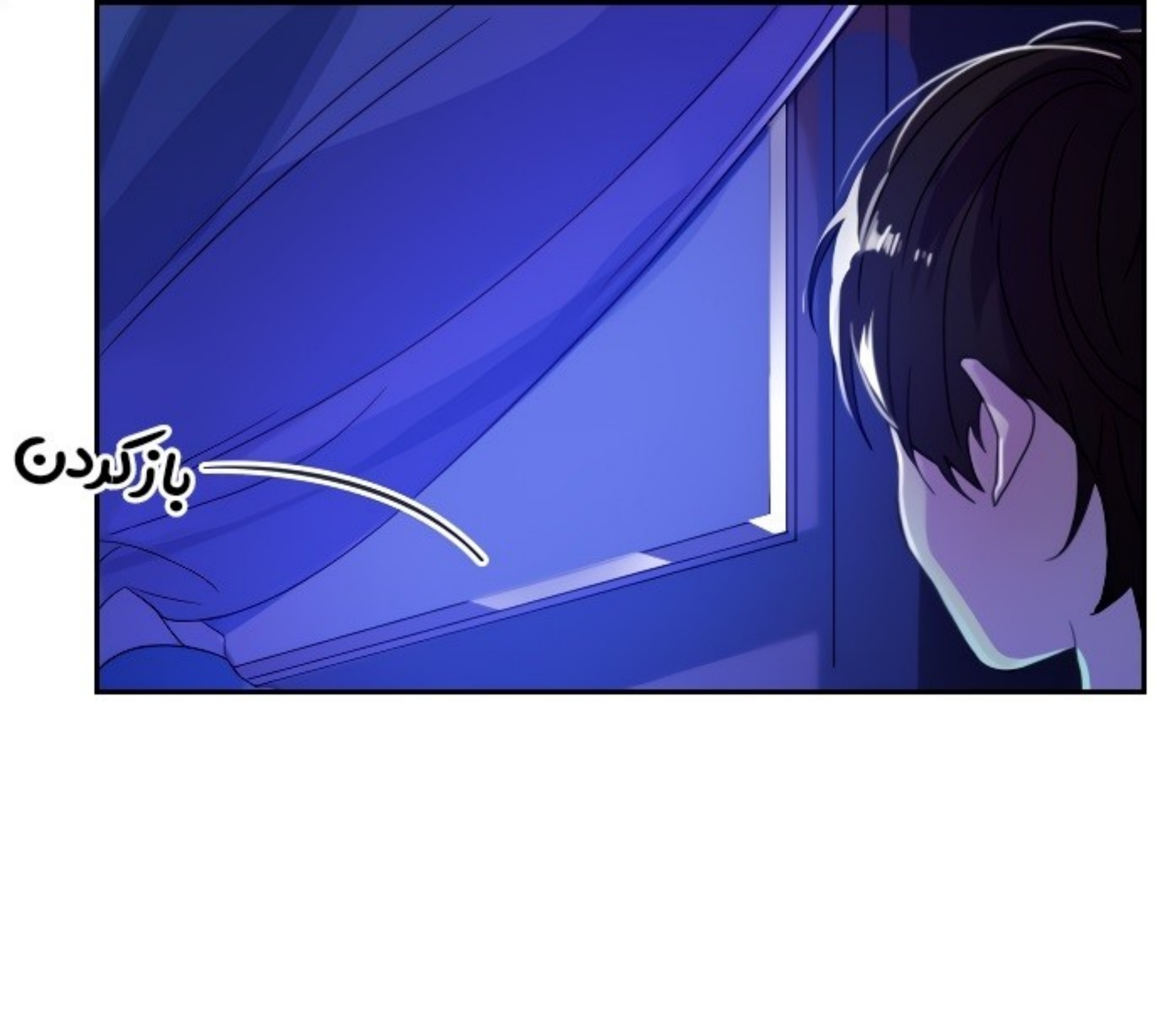
تا جایی که اونا اجازه  
دادن فاحشه‌های خیابونی  
وارد کاخ بشن.

این کاری نیست  
که با عقل سلیم انجام  
بدن.



با این حال،  
به نظرم ورود به کاخ برام  
راحت تر شده.





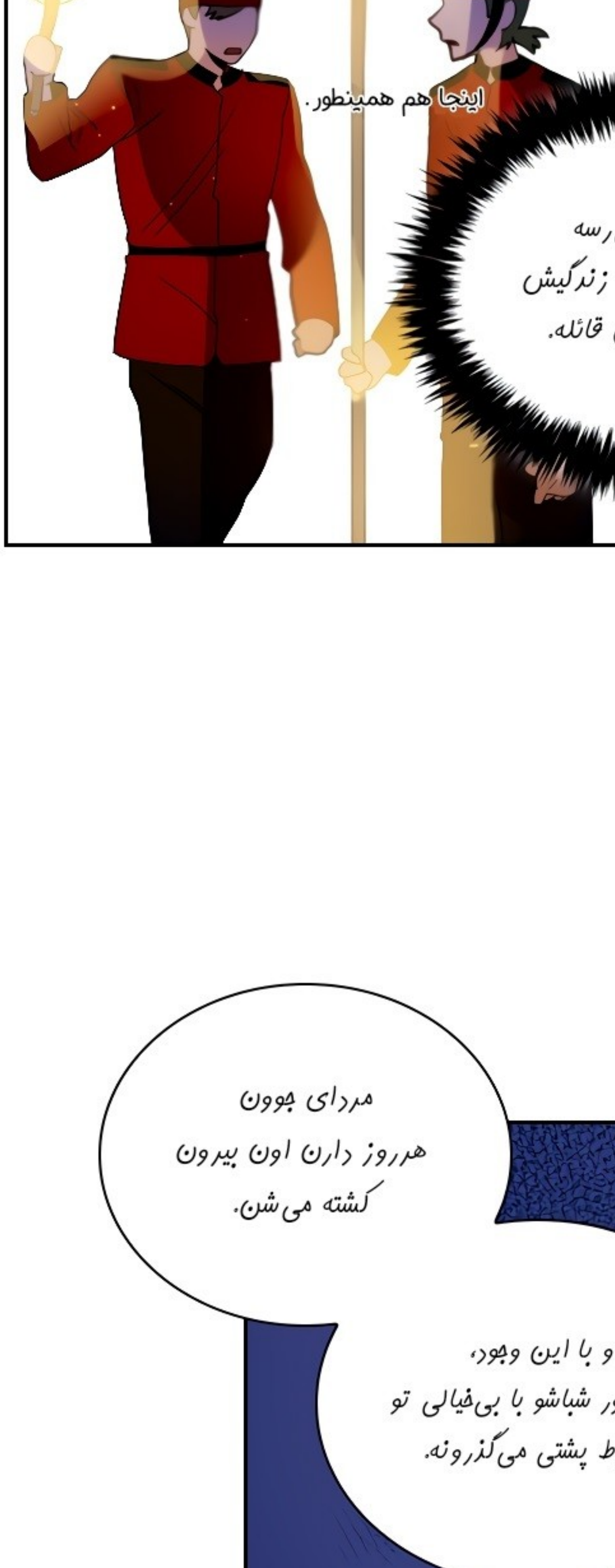
باز کردن



سجایج

سجایج

با این که یه کاخ  
کوچیکه، تعداد سربازا  
فیلی زیاده.



همه چیز مرتبیه

اینجا هم همینطور.

به نظر می‌رسه  
امپراطور واسه زندگیش  
فیلی ارزش قائله.

مردای جوون  
هرروز دارن اون بیرون  
کشته می‌شن.

و با این وجود،  
امپراطور شباشو با بی‌فیالی تو  
فقط پستی می‌گذرونه.



...

وقتی تولا رابع به  
ملکه به من اطلاعات  
می‌داره.

فکر می‌کردم از  
اونجا که ایشون ملکه‌ن،  
مراقب با احترام باهاشون  
رفتار می‌شه.



لطفاً... ملکه النارو  
نجات بده.

اما الان با دیدن  
وضعیت برج شرقی، برام  
کاملاً واضحه که...

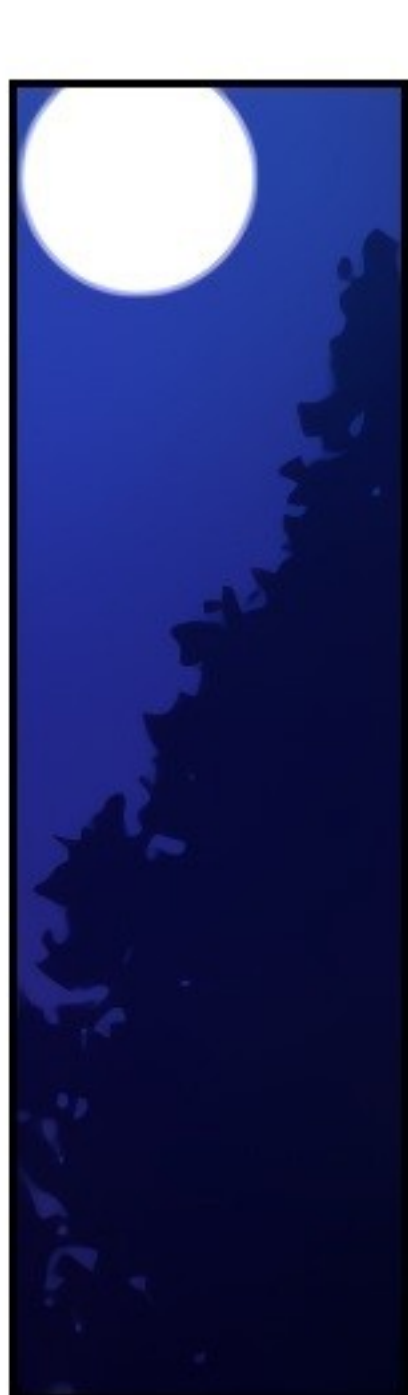
تو این امپراطوری  
پیطوری با پرنس دوم و  
مادرش رفتار می‌شه.

پندیدی...



# 진홍의 카르마

글 쌀쑤 |  
그림 라다 |  
원작 레몬개구리 |  
제공 엠스토리허브 / 팀헤임달 |







یه برج تاریک  
بدون نور...

چندتا نگهبان  
اونجاست؟



بزرگی



دو نفر کنار  
دیگه



و همینطور دو  
دسته دیگه تو برج  
در حال گشت زنین.

به نظر می رسه  
که هرود بیست تا سرباز  
تو پرده...



این دیگه  
چه حسیه؟

چطوری موقعیت و  
حرکت سربازا رو موقع  
گشت زنی حس کردم؟

می تونم اونا رو بینم و  
حتی حس می کنم که می تونم  
اونا رو گیر بندازم.



تو زندگی قبلیم،  
فقط می تونستم حضور شونو  
حس کنم.



هممم...

تو این دنیا چادو  
وچود داره.



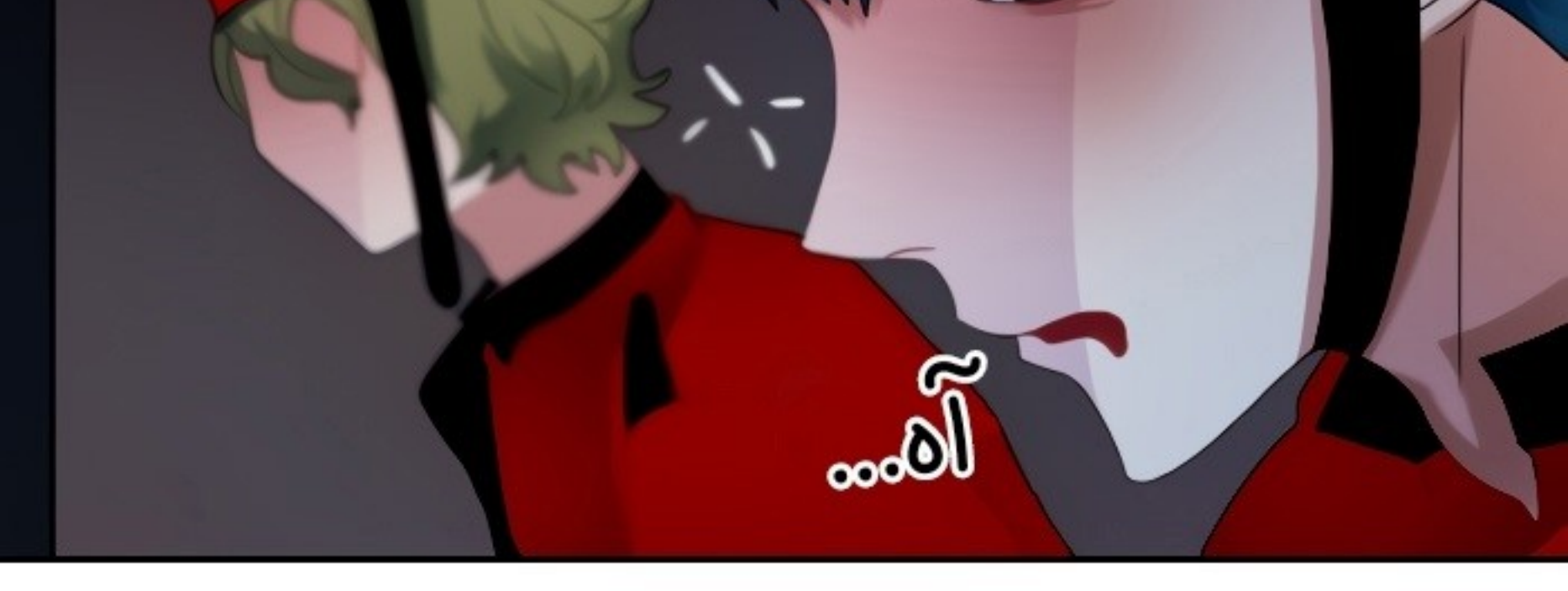
پس شاید فقط یه  
تنظیم ساده بقواد؟

از اونجا که من  
می تونم فیلی واضح اونا  
رو حس کنم...

بیرون  
آوردن-



حس می کنم تو  
یه بازیم.



آه...

فم...



فم

آه... خیلی  
خسته کننده بی.



بم

منم تمیین  
تکرو می کردم.

سریع

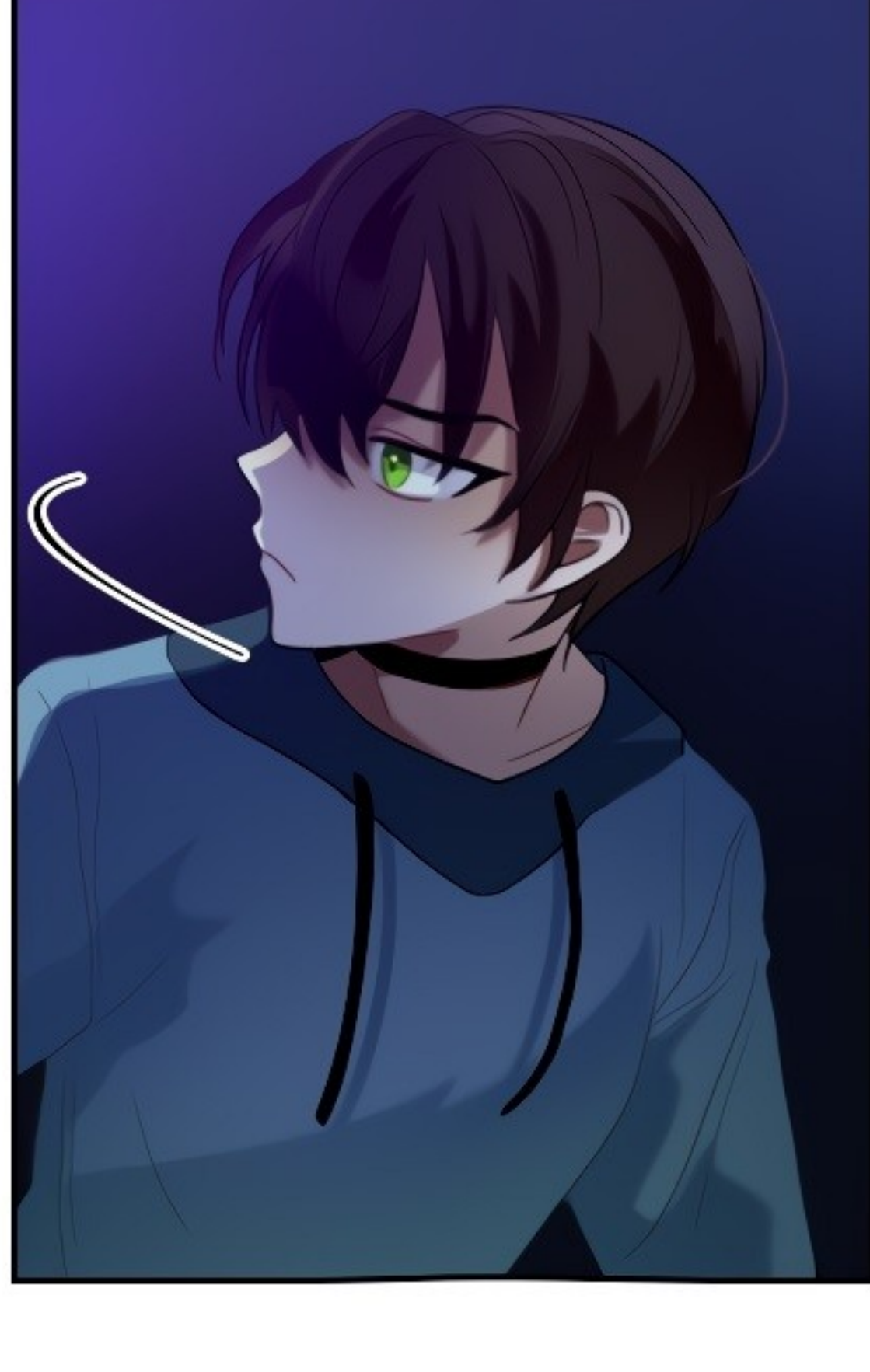






ملکه تو طبقه‌ی  
آفر زندانی شده.

فوشفتانه،  
برج زیاد بلند به نظر  
نمی‌رسه.



نگهبانان طبقه‌ی پیزی که  
من از قدم‌هاشون می‌فومم،  
فیله‌ی آروم اطراف برج  
حرکت می‌کنن.

آروم  
آروم

باید حدود ده دقیقه  
طول بکشه تا اونا به دور کامل  
برج رو دور بزنن و بعد به  
ورودی برسن.

پس باید سریع  
باشم.

دویش





سربازای زیادی هست.



آه‌آه‌آه‌آه‌آه‌آه،  
من بردم!



لعنتی!

ولی مسئولیتی که  
در قبال کارشون دارن،  
وهشتتا که.

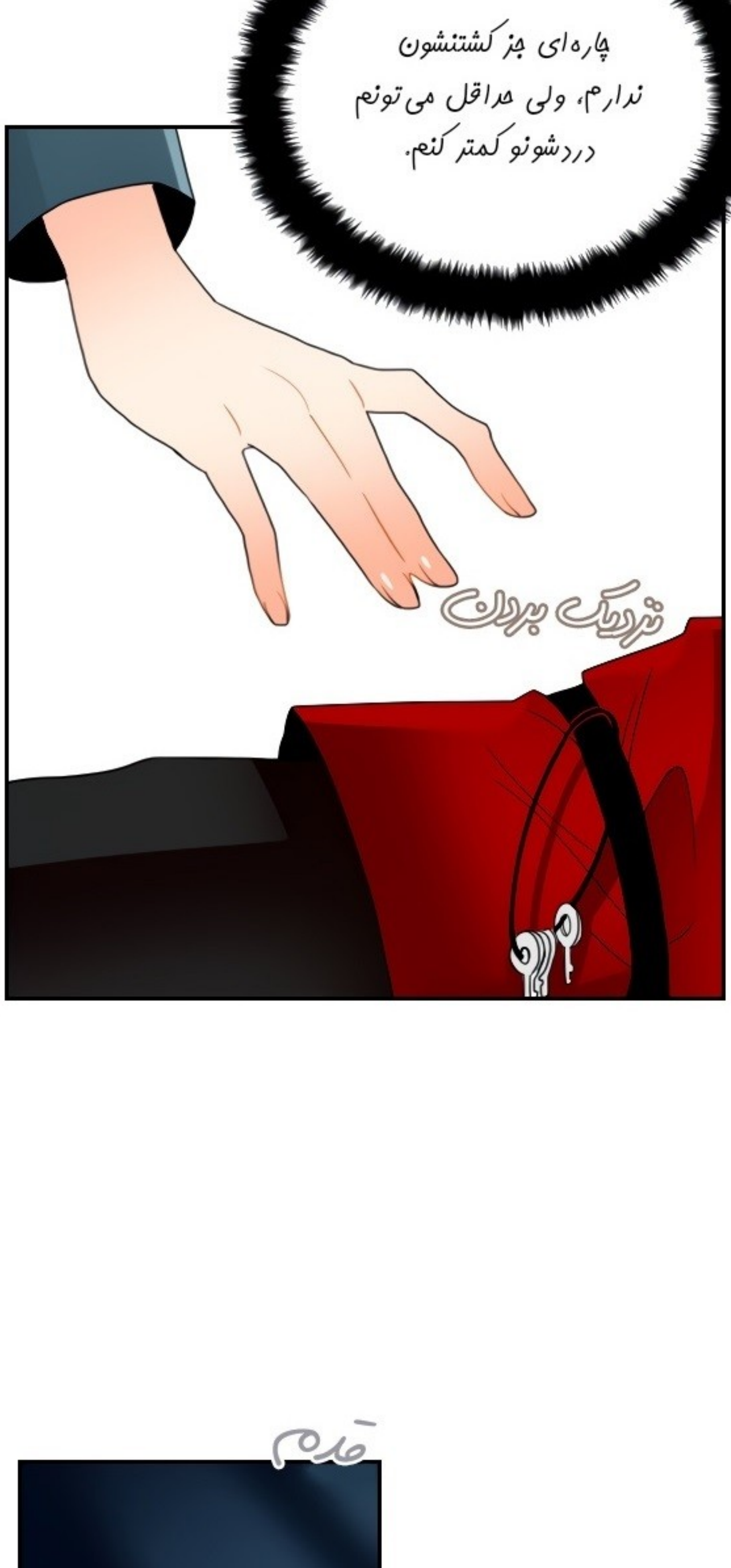
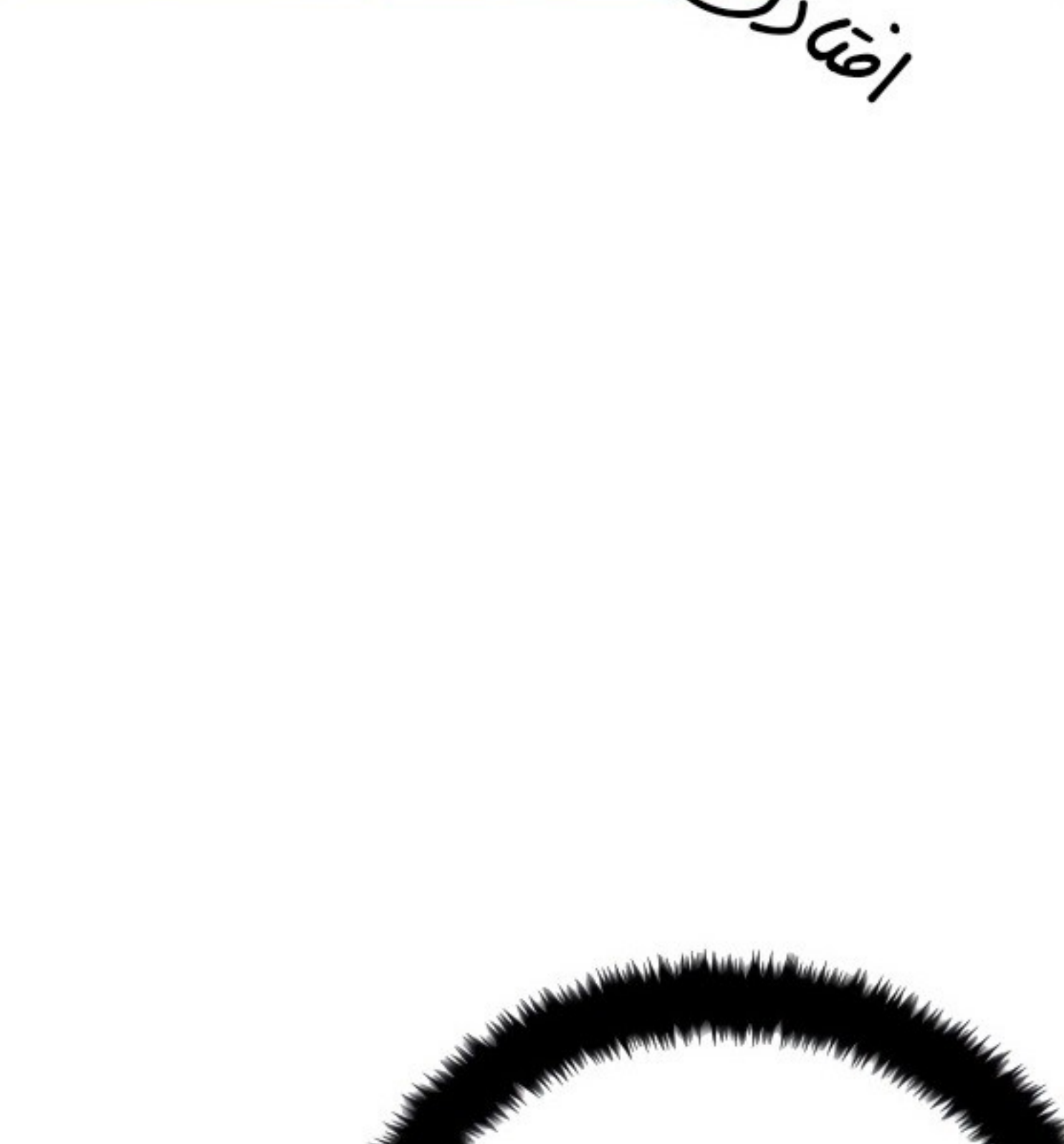
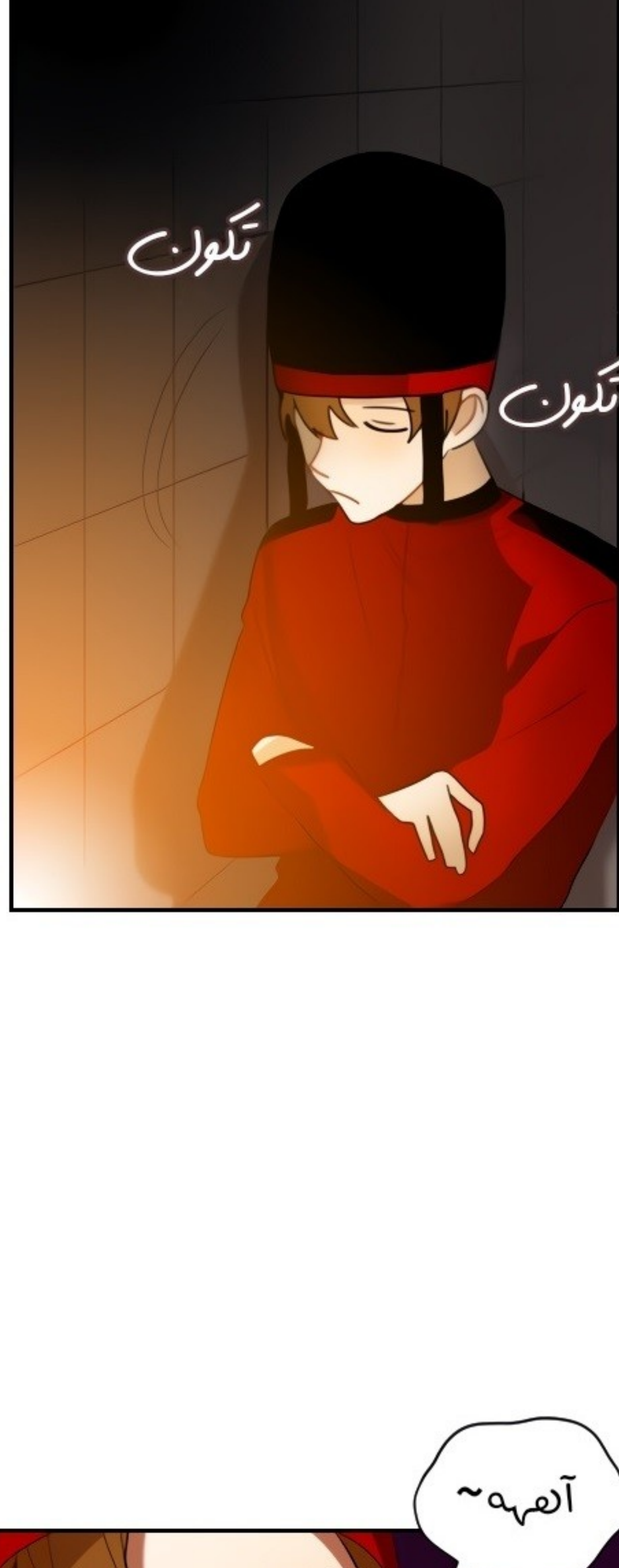


اینجا جاییه که فقط  
یه ملکه توش زندگی می‌کنه،  
اونم اجازه‌ی بیرون رفتن  
نداره.

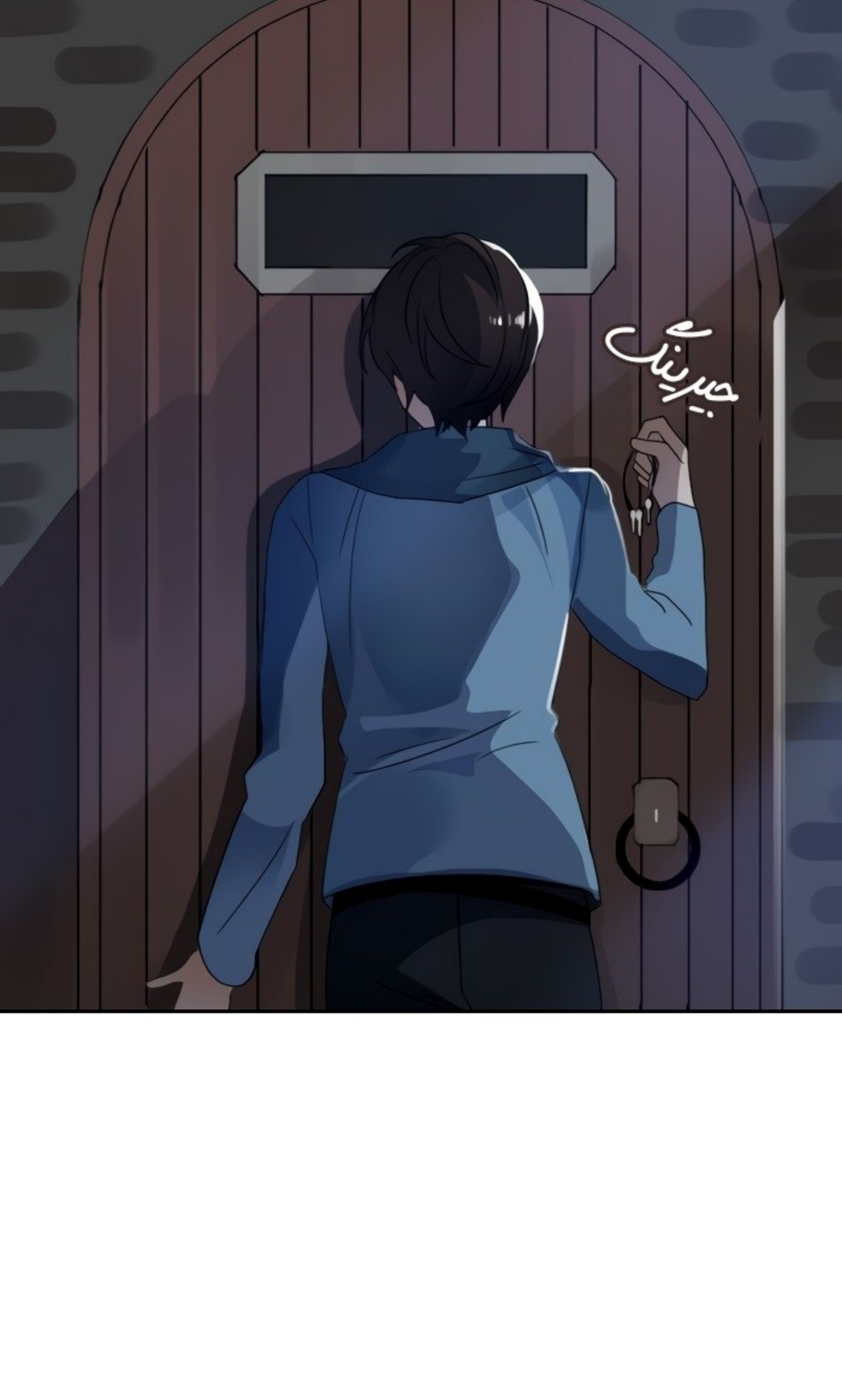
برای چنین جایی این  
تعداد سرباز...

به نظر می‌رسه امپراطور  
خیلی دلش می‌خواد پرنس  
دو ۴ رو مهار کنه.









پیی؟ یکی  
برش داشته؟ یکی  
وارد شده؟

ا-اون یه  
متجاوزہ!



!

باید فرد  
ده دقیقه وقت داشته  
باشم.

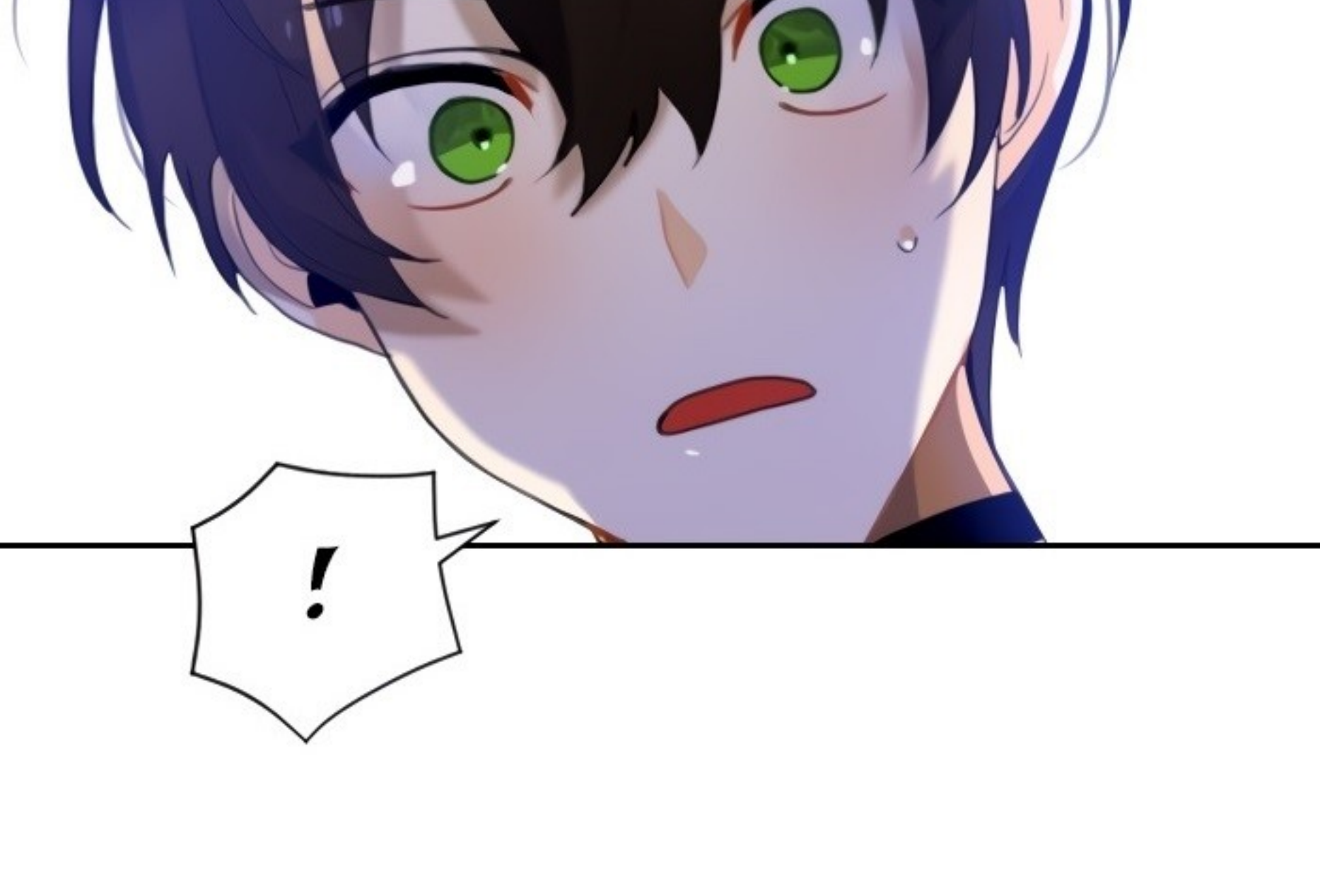
باید عجله کنم.

جیرین



باید ملکہ رو  
پیدا کنم.

و از جادوی  
تلپورت استفاده  
کنم...



!



این...!



